

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

سیری در حقایق وحی با تئاهی دیگر

آیت الله سید مجتبی موسوی لاری

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (مؤمن، ۴۰/۶۰)

و خدای شما فرمود که: مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی نمایند با ذلت وارد دوزخ می شوند.

یکی از آیات سؤال برانگیز قرآنی آیه فوق است. بر اساس این آیه شریفه خداوند تضمین فرموده است که دعاهاى بندگان را اجابت خواهد کرد. در حالی که می بینیم بیشتر دعاهاى بندگان به اجابت نمی رسد و در مقایسه با دست های نیازمندی که به سوی پروردگار بلند می شود و انبوه تقاضاهای موجود، تعداد بسیار کمی از دعاها مستجاب می گردد. در اینجا این پرسش مطرح می شود که با وجود تضمین خداوند بر اجابت خواسته های بندگان علت عدم اجابت دعاها چیست؟

مفسران بزرگوار که در صدد پاسخگویی برآمده اند به طور عمده دو پاسخ را عنوان کرده اند: ۱. اجابت دعا به شرایط گوناگونی بستگی دارد که مهم ترین آنها عدم آلودگی انسان به بسیاری از گناهان و معاصی است؛ زیرا اصولاً معصیت، نافرمانی حق تعالی بزرگ ترین مانع اجابت دعا محسوب می شود.

۲. مصلحت اندیشی پروردگار که سرچشمه حکمت هاست ایجاب می کند که برخی دعاها پذیرفته شود و برخی دیگر به اجابت نرسد زیرا خداوند آگاه به مصالح بشر، اجابت هر دعایی را به مصلحت نمی داند و این امر نیز به خیر و صلاح بشر است (همچون پدری مهربان که خواسته های فرزندش را به لحاظ مصلحت وی برآورده نمی سازد).

این دو پاسخ عمده، گرچه در جای خود درست و قابل پذیرش است اما در اینجا کم تر می تواند پرسشگران را قانع سازد به ویژه آنکه خداوند قاطعانه در آیه شریفه اجابت دعا را تضمین فرموده است، زیرا عبارت آیه به گونه ای است که برای اجابت دعاهاى بندگان هیچ قیدی در آن ذکر نشده است و انگهی تخصیص زدن اکثر دعاهاى رایج و اخراج آنها از شمول و عموم

آیه شریفه، با بلاغت کلمات الهی ممکن است سازگار نباشد. بنابراین باید در پی پاسخی متقن بود تا بتواند هم با سیاق آیه سازگار باشد و هم پاسخ قانع کننده ای به پرسشگر بدهد. وقتی با دقت آیات قرآنی را بررسی می کنیم، می بینیم نوع دعاهایی که خداوند ضمانت اجابت آن را فرموده است، دارای ویژگی خاصی است که باید با رعایت آن خصوصیت و ویژگی همراه با خلوص و پای بندی به ارزش ها و تلاش و حرکت انسان به سمت هدف برای وصول به مقصد باشد، اینجاست که دعای بندگان قطعاً مورد اجابت قرار خواهد گرفت. به عبارت بهتر خواسته انسان و تقاضاهای او از پروردگار باید به صورتی باشد که با اهداف آفرینش انسان و خواسته الهی سنخیت داشته باشد. یعنی دعای بندگان به پیشگاه ربوبیت باید برای تعالی روح، کسب فضیلت های انسانی، ترقی معنوی، پیشرفت و هدایت باشد و بالاخره دعا به منظور بالا رفتن درجات معنوی انسان به پیشگاه پروردگار عرضه شود، پس دعاهای واقعی را باید از این زاویه نگریست، در حالی که اکثر دعاهای رایج مردم عادی خواسته های جزئی، مادی و کم ارزش هستند که از ابعاد معنوی تهی است.

در راستای دعاهای واقعی آن دو مانع بزرگ اجابت دعا یعنی گناه و عدم مصلحت دعا کننده، از سر راه های معنوی برداشته می شود، زیرا استغفار از گناه و طلب عفو و بخشش در صدر این نوع دعاها قرار می گیرد، و خدای متعال هم توبه و استغفار بندگان را می پذیرد. و اما عدم مصلحت اجابت دعا، دیگر در دعاهای معنوی مطرح نیست چون بندگان دعاهایی به پیشگاه حضرت حق عرضه می دارند که به افزایش معرفت الهی و کمالات و فضائل روحی آنها بیانجامد و قطعاً اجابت این گونه دعاها در اینجا به مصلحت دعا کننده است. بنابراین با رفع آن دو مانع بزرگ راه برای اجابت دعاهای معنوی هموار می شود.

بهترین مصادیق دعای واقعی را می توانیم در قرآن کریم و کلمات الهی جست و جو کنیم. خداوند از زبان انبیا و اولیای خود نمونه دعاهایی را بیان می کند که دارای ویژگی های یاد شده است یعنی رسیدن به اهداف معنوی و الهی و اگر دعاهایی در قرآن از زبان انبیا مطرح شده که ظاهراً در ارتباط با امور دنیا است، در باطن، اهداف عالی معنوی مد نظر قرار گرفته است. حضرت زکریا (ع) فرزند را برای ادامه رسالت و هدایت انسان ها می خواهد نه به خاطر دلخوشی پدر به داشتن فرزند، کلمات حضرت زکریا (ع) و نجوای وی گویای همین حقیقت است زیرا تعبیر آن حضرت از فرزند کلمه «ولی» است نه «ولد» یعنی ثمره زندگی او می بایست یکی از اولیاء خدا باشد و وراثت او منجر به استمرار مسیر نبوت و هدایت انسان ها گردد:

فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب و اجعله رب رضیا (مریم، ۶/۱۹) خداوند از لطف خاص خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد. سلیمان پیامبر (ع) ملک و سلطنت را با انگیزه قدرت الهی و بهره برداری از امتیازات حاکمیت نمی خواست بلکه این امکانات و قدرت را صرف هدایت انسان ها می کرد، تا پرچم توحید برافراشته بماند و عدالت در زمین مستقر شود، اتفاقاً تنها موردی که در قرآن دعای پیامبر خدا مورد اجابت نمی گیرد، دعای حضرت نوح (ع) نسبت به فرزندش می باشد که از روی عواطف پدری خواهان نجات او از طوفان است و خداوند چنین خواسته ای را برآورده نمی سازد. (حتی اگر نبی مقرب درگاه الهی بخواهد).

در آیات قرآنی دعاهایی که فرشتگان و حاملان عرش الهی در حق بندگان به درگاه حق تعالی عرضه می دارند همه در جهت رسیدن بندگان به سعادت ابدی است:

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم ویومنون به و یتغفرون للذین آمنوا ربنا وسعت کل شیء رحمه و علماً فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم. ربنا و ادخلهم جنات عدن الّتی وعدتهم و من صلح من ابائهم و ازواجهم و ذریاتهم انک انت العزیز حکیم. (غافر، ۴۰/ ۷-۶) فرشتگانی که حاملان عرشند و آنان که پیرامون آن (در طوافند) به تسبیح و ستایش حق مشغولند، و به خدا ایمان دارند، و برای مؤمنان استغفار می کنند، (و می گویند) ای پروردگاری که دانش و رحمت بی انتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است تو به لطف و کرم گناه آنان که توبه کردند و راه رضای تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ مصون دار. پروردگارا تو آنان را در بهشت جاویدان که به آنان وعده فرمودی با پدران (و مادران) و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند وارد ساز که تو توانا و حکیمی.

همچنین با مرور اجمالی درقرآن کریم نسبت به دعاهای بندگان خاص خدا و خردمندان نیز می بینیم همان ویژگی دعای انبیا و فرشتگان در چنین دعاهایی موج می زند:

الذین یدکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم، یتفکرون فی خلق السماوات و الارض... سبحانک فقنا عذاب النار... ربنا ائنا سمعنا منادياً ینادی الایمان ان آمنوا برکم فآمنّا، ربنا فاغفر ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توقنا مع الأبرار. ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لاتحزننا یوم القیمة انک لاتخلف المیعاد. (آل عمران، ۱۹۱/۳-۱۹۴) آنهایی که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که به پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند، (و می گویند) بار الها اینها را بیهوده نیافریده ای، منزهی تو، ما را از عذاب دوزخ نگاه دار. پروردگارا ما چون صدای منادی تو را

شنیدیم، که به ایمان دعوت می کرد که: به پروردگار خود ایمان بیاورید، و ما ایمان آوردیم، پروردگارا از گناهان ما در گذر و بدی های ما را بپوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان و صالحان محشور گردان، پروردگارا آنچه را که به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی به ما عطا کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی.

در آیات آخر سوره بقره نیز دعای مومنان برای خود دارای همین مضامین است:

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلُنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَانصِرْنَا عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ . (بقره، ۲/ ۲۸۵) پروردگارا اگر ما فراموشی یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مفرما. پروردگارا تکلیف طاقت فرسا بر ما قرار مده آن گونه که بر گذشتگان پیش از ما قرار دادی. پروردگارا بار تکلیف فوق تحمل ما را بر دوش ما منه و ببخش و بیامرز گناه ما را و بر ما رحمت فرما تو مولا و سرپرست مایی پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

تمام این دعاها در زمینه ارتقاء و رشد و معنویت و تقرب جستن به ذات حق تعالی است و به همین سبب پس از ذکر این نمونه دعاها در قرآن کریم خداوند می فرماید: **فاستجاب لهم ربهم**؛ پس پروردگار دعای ایشان را اجابت کرد.

به خوبی روشن است که از مجموع این دعاها یک فقره از آنها هم آسایش و رفاه زندگی شخصی و وصول به متاع زودگذر عرصه دنیای مادی مورد درخواست قرار نگرفته است. ائمه اطهار (ع) نیز همین الگوی با ارزش از دعا را ارائه می دهند، نمونه بارز آن دعای کمیل از زبان امیرمومنان (ع) است که در بخشی از دعا چنین آمده است:

یا رب قو علی خدمتک و جوارحی و اشد علی العزیمه جوانحی و هب لی الجد فی

خشیتک و الدوام فی الاتصال بخدمتک... و من علی بحسن اجابتک و اقلنی عثرتی و اغفر زلّتی؛ و به اعضاء و جوارحم در مقام بندگیت نیرو بخش و ارکان وجودم را به خوف و خشیت سخت بنیان ساز و پیوسته در خدمت به حضرتت موفق بدار و بر من منت گذار و دعایم را مستجاب فرما و از لغزشم درگذر و خطایم را ببخش.

تا اینکه نکته جالب توجه عبارت پس از این دعاست که شاهد گویای نکته مورد نظر است:

فإنک قضیت علی عبادک بعبادتک و امرتهم بدعائک و ضمنت لهم الاجابه؛ که تو به لطف

خویش به بندگان دستور عبادت دادی و امر به دعا فرمودی و اجابت آن را ضمانت کردی.

که اشاره به مضمون آیه قرآن کریم است. در اینجا امیرمؤمنان ضمانت اجابت دعا از ناحیه

پروردگارت را به یک رشته دعاهایی نسبت می دهد که کلاً بر محور خواسته های معنوی دور می زند . در حقیقت امیرمؤمنان (ع) در راستای دعای انبیا و فرشتگان و اولیای حق و مومنان به ارائه مصادیق دعاهای تضمین شده می پردازد و به ما گوشزد می کند که این گونه دعا کنیم تا مورد اجابت باری تعالی قرار گیرد . با مراجعه به دعاهای صحیفه امام سجاد (ع) نیز مصادیق روشن دعای مستجاب با ویژگی خاص خود به دست می آید که کلاً بر محور ارزش های والای معنوی می چرخد . به کلمات این دعا از امام عصر (عج) هم توجه کنیم :

اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و اكرمنا بالهدی و الاستقامة و سدد ألسنتنا بالصواب و الحکمة و املاء قلوبنا بالعلم و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة...؛ پروردگارا توفیق طاعت و دوری از گناه را نصیب ما گردان و نیت با خلوص و معرفت به آنچه نزد تو محترم است عطا فرما و ما را به هدایت و استقامت (در راه توحید) کرامت فرما و زبان ما را به صدق و صواب و سخن حکیمانه گویا ساز و دل ما را از دانش و معرفت لبریز نما و ما را از تغذیه حرام (شبهه) منزّه گردان .

تا انتهای دعا که یک کلمه به خواسته ها و متاع محدود دنیوی توجه نشده است . سایر ائمه اطهار (ع) نیز دعاهای پربار و دارای والاترین مضامین را مطرح کرده اند که همه آنها در راستای دست یابی به مقامات معنوی است .

عرفا و بزرگان بر این مطلب تأکید ورزیده اند که اصل دعا و راز و نیاز به درگاه پروردگار مطلوبیت ذاتی دارد زیرا فلسفه اصلی دعا و نجوای بنده با پروردگار ، هدایت و رشد و تعالی انسان است حتی اگر متعلق دعا دارای خصوصیات مادی و کم ارزش باشد .

پس دعای واقعی و تضمین شده برای انسان های مخلص دعایی است که راه حرکت انسان را به سوی حق تعالی هموار سازد ، توکل به پروردگار را در آدمی افزایش دهد و او را به بی نیاز مطلق برساند اما این مسئله مانع از آن نیست که خداوند از روی فضل و رحمت خود برخی از خواسته های عادی و دنیوی بندگان را اجابت بفرماید . از این رو ائمه طاهرين همواره بر این موضوع تأکید داشته اند که هر چه خواسته دارید از خدا بخواهید و فراوان دعا کنید . از این رو بندگان در دعاهای واقعی که مورد اجابت قرار می گیرد می توانند فضل و رحمت الهی را تقاضا کنند تا ذات اقدس ربوبیت تفضلاً برخی از دعاهای عادی و خواسته های مادی آنها را نیز مورد عنایت و اجابت خویش قرار دهد البته نباید از ثواب اخروی دعا غافل بود هر چند برای رفع مشکلات دنیوی و امور مادی باشد .

اگر منظور از آیه شریفه و ضمانت اجابت دعا، خواسته های دنیوی و امتیازات مادی و رفاهی نیز شامل شود یک نوع تناقض پیش می آید زیرا دنیا جایگاه آزمایش بشر است و خداوند طبق سنت قطعی خود دنیا را مکانی قرار داده که «دار بالبلاء محفوفه» و همین روبرو شدن با مشکلات زندگی در ساخته شدن انسان و رشد و تعالی او نقش اساسی دارد و هر کس از همین راه می تواند جایگاه واقعی خود را به دست آورد. انبیا و بزرگان دین سخت ترین امتحان را در صحنه دنیا پشت سر گذاشتند تا به مقام والای قرب پروردگار نائل آمدند.

اگر قرار باشد با دعای دشواری های زندگی انسان حل گردد و پروردگار هم اجابت آن ها را تضمین کرده باشد، خداوند این سنت را بر دنیا حاکم نمی کرد و این خلاف حکمت الهی است که از یک سو مقدر فرماید که مردم را در محدوده دنیا با سختی ها و دشواری ها بیازماید و از سوی دیگر همین مجموعه سختی ها و دشواری های مقدر شده را با دعا رفع سازد در قرآن کریم می خوانیم: احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا یفتنون (عنکبوت، ۲/۲۹)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آورده ایم بحال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟

ناگفته نماند که بخش دیگری از نارسانی ها و سختی های دنیا به عملکرد ناشیانه و غیر معقول خود انسان باز می گردد و باری تعالی هم با موهبت عقل و خرد، از انسان خواسته تا حد مقدور برای حل مشکلات خود تلاش کند.

نکته ای که از ذیل آیه مورد بحث می توان استفاده کرد این است که اگر مراد از عبادت در بخش پایانی آیه را که می فرماید: الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین، مرادف دعا کردن بدانیم با صدر آیه که امر به دعا شده است تناسب و هضموانی بیشتری دارد زیرا دعا عصاره عبادت است و از سوی دیگر عبادت بیشتر با کلمات ستایش آمیز از مقام ربوبیت و حمد و ثنا و سپاس نعمت های الهی بیان می شود، در صورتی که دعای از اعماق وجود تقاضای عاجزانه است و با تضرع و اعتراف به حقارت و ناتوانی انسان همراه است و اینجاست که حالت کبر و غرور ابلهانه مستکبران آنها را به استنکاف از دعا کردن و اظهار عجز و تذلل و فقر در برابر مقام ربوبیت وا می دارد و لذا خدای قاهر و مالک هستی به مستکبران هشدار می دهد که خوی استکباری و نخوت و غرور که مانع از دعا و تضرع و راز و نیاز به درگاه حق تعالی است سرانجامی جز شقاوت و خسران ابدی و عذاب اخروی برای آنان نخواهد داشت.